خط حزب‌الله
نشریه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۵۶ | هفته اول آبان ۹۷ | چاپ و توزیع به همت نیروهای مومن و انقلابی
KHAMENEI.IR
نشریه جامعه مؤمن و انقلابی
صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای)
ارتباط با خط حزب‌ا...
پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸ | آی گپ: iGap.net/khattehezbollah | گپ: Gap.im/KhatteHezbollah
رایانامه: Khat@khamenei.ir | بله: ble.im/khattehezbollah | سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

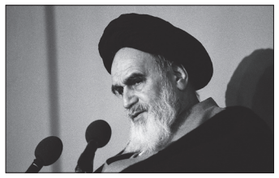

نهج البلاغه

کسی بخاطر مسئولیت، نباید رفتارش با مردم تغییر کند

رهبر انقلاب اسلامی صبح دوشنبه گذشته (۹۷/۷/۲۳) در ابتدای جلسه‌ی درس خارج فقه خود، در توضیح «نامه‌ی حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خطاب به مسئولان و فرماندهان نظامی»(۱) برخی وظایف آنان را برشمردند و این نامه را به مثابه دستورالعملی برای همه‌ی مدیران نظام اسلامی دانستند و با اشاره به فرازهایی از این نامه گفتند: در منطق حکومت علوی اگر کسی به خاطر مسئولیتش دارای امتیاز و احترامی شد، این موضوع نباید اخلاق و رفتار او را با مردم تغییر بدهد و او را از مردم دور کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: مسئولان نظام اسلامی بدانند شکر نعمت مسئولیتشان در این است که به بندگان خدا نزدیکی بیشتری پیدا کنند، با آنان نشست و برخاست کنند و نسبت به آنها مهربانی و توجه بیشتری به خرج دهند. ایشان سپس به فرازی دیگری از این نامه درباره‌ی موضوع شفافیت مسئولان پرداختند: «اَلَا وَ اِنَّ لَکُم عِندِی اَن لَا اَحتَجِبَنَّ دُونَکُم سِرّاً اِلّا فی حَرب»... این نکته‌ی بسیار مهمّی است؛ این شفّافیّتی که حالا سر زبان‌ها است که «آقا شفّاف، شفّاف»، در کلام امیرالمؤمنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه‌ی اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها. واقعاً انسان تعجّب میکند از کوته‌فکری بعضی‌ها!... نخیر، شفّافیّت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ می‌گوید حقّ شما بر من -یعنی حقّی که شما پیش من دارید- [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم، اینجا نمی‌شود حرفها را زد؛ چون حرف را وقتی که گفتیم، شما شنفتی، دشمن هم می‌شنود.●

۱. نامه ۵۰ نهج‌البلاغه، امالی طوسی، ص ۲۱۷

روز اربعین از روزهای تحکیم وحدت است

ما از دست آمریکا نباید خیلی گله کنیم ولو ام‌الفساد اوست، لکن از کشورهای اسلامی و از حکومت‌های اسلامی باید شِکوه کنیم و فریاد بزنیم. اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه، هم تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است؛ یعنی، روزهایی را پیش آورده است که با خود این روزها و انگیزه‌ی این روزها تحکیم وحدت می‌شود مثل عاشورا و اربعین. و قرآن کریم پافشاری دارد در این مطلب که متفرق نباشند مردم، مسلمین از هم، و ید واحده باشند و معتصم به «حبل الله» باشند.●

امام خمینی (ره): ۲۵ آذر ۱۳۶۰

حضور در مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی در سال ۷۳

حق عظیم به گردن تهرانی‌ها

ری مرکز بسیار مهمّی از لحاظ علمی و فرهنگی در تاریخ ماست و سرسلسله‌ی بزرگان هم -جناب عبدالعظیم- با این که اهل ری نیست، اما حقّاً و انصافاً به ری و تاریخ ری آبرو داد و حقّ عظیمی به گردن همه‌ی تهرانی‌ها و اهل ری دارد.● ۸۲/۳/۵

خانواده ایرانی

مجاهدت حضرت زینب برای ما قابل توصیف نیست

زینب (س)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین؛ هم در حادثه‌ی روز عاشورا، آن سختی‌ها و آن محنت‌ها؛ هم در حادثه‌ی بعد از شهادت حسین‌بن‌علی(ع)، بی‌سرپناهی این مجموعه‌ی به جا مانده‌ی کودک و زن، به عنوان یک ولیّ الهی آنچنان درخشید که نظیر او را نمی‌شود پیدا کرد؛ در طول تاریخ نمی‌شود نظیری برای این پیدا کرد. بعد هم در حوادث پی‌درپی، در دوران اسارت زینب، در کوفه، در شام، تا این روزها که روز پایان آن حوادث است و شروع یک سرآغاز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی و پیش بردن جامعه‌ی اسلامی. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری (س) در نزد خداوند متعال یک مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست.● ۸۸/۱۱/۱۹

حزب‌الله این است

اگر از لحاظ علمی پیشرفت نکنیم تهدید دشمن دائمی خواهد بود

ما احتیاج داریم به اینکه از لحاظ علمی پیشرفت کنیم؛ این نیاز قطعی ماست. اگر از لحاظ علمی پیشرفت نکنیم، تهدید دشمنانِ تمدّنی ما و دشمنان فرهنگی و سیاسی ما، تهدید دائمی خواهد بود؛ آن وقتی این تهدید متوقّف می‌شود یا خطرش کم می‌شود که ما از لحاظ علمی پیشرفت کنیم. بنده بارها روی این مسئله تکیه کرده‌ام. الان قریب بیست سال است روی این تکیه می‌کنم و بارها هم این حدیث شریف را خوانده‌ام که «اَلعِلمُ سُلطان»؛ علم، قدرت است. از این نظر هم نگاه به نخبگان اهمّیّت پیدا می‌کند. نخبگان می‌توانند علم کشور را پیشرفت بدهند و کشور را به موضع اقتدار و عزّتی برسانند که آسیب‌پذیری‌هایش کاهش پیدا کند.● ۹۷/۷/۲۵

مسئله روز

رهبر انقلاب در دیدار جمعی از خانواده شهدای مدافع حرم:

اگر شهدای شما نبودند، دشمن تا نزدیکی قبر سیدالشهداء می‌آمد

یک روزی بود که خلفای بنی‌عبّاس همّت گماشته بودند که قبر مطهّر حضرت اباعبدالله و لابد به تبع آن، بقیّه‌ی قبور مطهّره را از بین ببرند؛ یک عدّه‌ای با جانِ خودشان نگذاشتند؛ یعنی [آنها] گفتند اگر بیایید، دستتان را قطع می‌کنیم، پایتان را قطع می‌کنیم، شما را به قتل می‌رسانیم؛ درعین‌حال [اینها] رفتند. همان رفتنها بود که حالا رسیده به بیست میلیون زائر پیاده‌ی اربعین. اگر آنجا کسانی فداکاری نمی‌کردند، امروز شوکت و هیمنه‌ی محبّت اباعبدالله الحسین (ع) این جور دنیا را فرا نمی‌گرفت؛ که شما می‌بینید در راهپیمایی اربعین از کشورهای مختلف -از فارس و ترک و اردو و کشورهای اروپایی و حتّی از آمریکا- افرادی بلند می‌شوند می‌آیند آنجا! این [کار] را چه کسی کرد؟ این خشت اوّل و اصلیِ این کار را همان کسانی گذاشتند که درواقع جانشان را برای زیارت قبر اباعبدالله(ع) فدا کردند. این بچّه‌های شما هم همین جور؛ اگر چنانچه این فرزندان عزیز شما، شهدای عزیز شما، این کسانی که رفتند آنجا مجاهدت کردند نبودند، دشمن تا نزدیکی قبر مطهّر حضرت اباعبدالله، چند کیلومتری کربلا، جلو آمده بود.● ۹۷/۷/۳۰

روش تحلیل سیاسی

برای شناخت روش‌های دشمن، با تاریخ آشنا شوید

عزیزان من! هدف اصلی دشمنان -چه دشمنان خارجی، چه دشمنان دورو و منافق داخلی- عبارت است از نفی حکومت دینی و حکومت اسلام. اصل قضیه برای اینها این است و به کمتر از این هم راضی نیستند... می‌خواهند این پایبندی را از بین ببرند؛ هدف این است. می‌خواهند همان تجربه‌ای را که در صدر اسلام به‌وجود آمد، دوباره تکرار کنند... با تاریخ آشنا شوید. تاریخ درس است؛ از تاریخ بسیار درس‌ها می‌شود آموخت و بسیار تجربه‌ها می‌شود به دست آورد. عدّه‌ای سعی می‌کنند حوادث روزگار ما را یک حوادث استثنایی -که به هیچ وجه از تاریخ قابل استفاده نیست- وانمود کنند. این غلط است. رنگ‌های زندگی عوض می‌شود، روش‌های زندگی عوض می‌شود؛ اما پایه‌های اصلی زندگی بشر و جبهه بندی‌های اصلی بشر، تغییری پیدا نمی‌کند.● ۷۹/۲/۱

خط حزب‌الله ۱۵۶
هفته‌نامه خبری-تبیینی نماز جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۵۶ | هفته اول آبان ۹۷
KHAMENEI.IR

گزارش هفته

تحلیلی کوتاه از رهبر انقلاب اسلامی

اگر امام حسین(ع) قیام نمی‌کرد...

۲

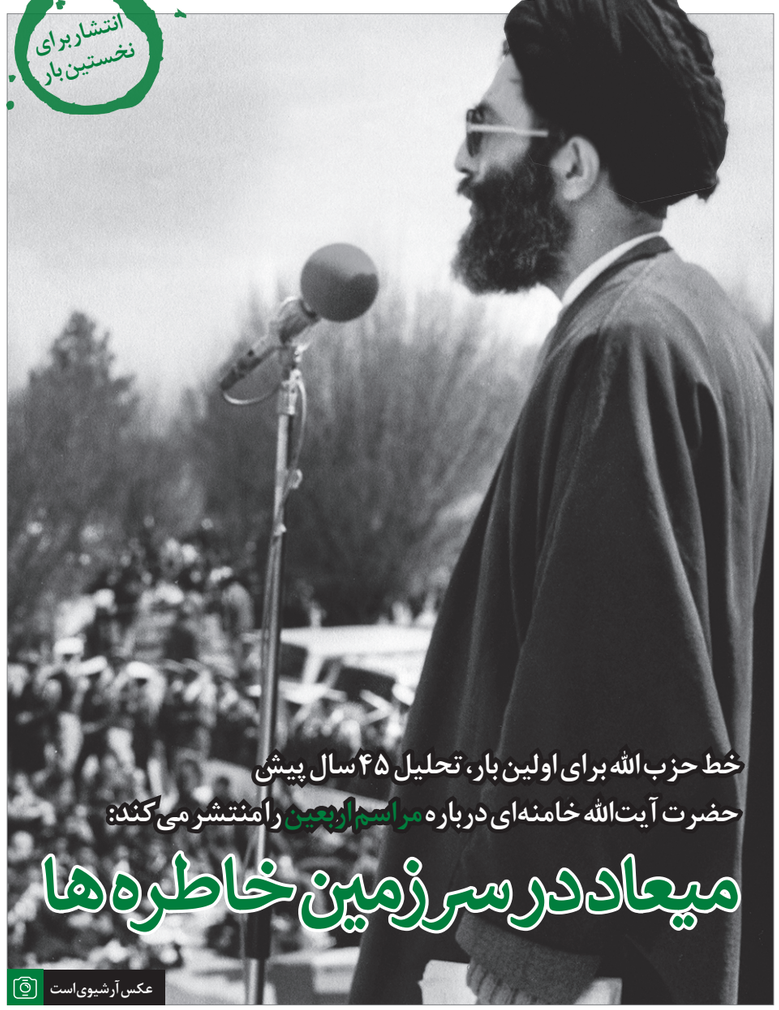

انتشار برای نخستین بار

عکس آرشیوی است

خط حزب‌الله برای اولین بار، تحلیل ۴۵ سال پیش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره مراسم اربعین را منتشر می‌کند:

میعاد در سرزمین خاطره‌ها

۴۵ سال پیش، یعنی زمانی که هنوز مراسم اربعین، به شکوه امروز بن شکل نگرفته بود، رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۵۲/۱۲/۲۴ (روز جمعه ۲۰ صفر سال ۱۳۹۴ هجری قمری) در جریان سلسله جلساتی در مسجد امام حسن(ع) مشهد که به خواندن و تفسیر خطب نهج‌البلاغه اختصاص داشت، به‌مناسبت تقارن با شب اربعین حسینی(ع)، تحلیلی تاریخی و جامع از چرایی اهمیت زیارت اربعین ارائه می‌دهند. این روزها که مصادف است با ایام اربعین سیدالشهدا، (ع) و اجتماع میلیون‌ها انسان (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) در کربلا، خط حزب‌الله برای اولین بار، متن کامل بخش مربوط به اربعین این سخنرانی را منتشر می‌کند. از نکات جالب توجه آن است که رهبر انقلاب در انتهای سخنرانی خود، به این موضوع اشاره می‌کنند که «اگر امروز هم بتوانند شیعیان، آن سرزمین پاک و مقدّس را یک چنین میعادی قرار بدهند، البتّه بسیار کار بجا و جالبی خواهد بود و هم دنباله‌گیری از راهی است که ائمّه‌ی هدی (ع) به ما ارائه دادند.» متن آن سخنرانی بدین شرح است:

... می‌دانید یکی از علائم ایمان زیارت اربعین است؟ بنده نمی‌دانم این روایت چقدر صحیح است، اصراری هم ندارم که بگوییم معنای این روایت همین است که من گمان کرده‌ام، واقعش هم این است که احتمال می‌دهم معنایش یکی از شقوق و احتمالات دیگری باشد که در این زمینه بیان می‌شود؛ امّا اگر این احتمال هم که من می‌گویم باشد، مؤیّد فراوانی دارد؛ «زیارة الاربعین».

● عیب مهمی که جمع شیعیان داشتند

شیعه یک جمع متفرّقی بود؛ یک جامعه‌ای بود که در یک جا و در یک مکان زندگی نمی‌کرد؛ در مدینه بودند، در کوفه بودند، در بصره بودند، در اهواز بودند، در قم بودند، در خراسان بودند -اطراف و اکناف بلاد- امّا یک روح در این کالبدِ متفرّق و در این اجزای متشتّت در جریان است؛ مثل دانه‌های تسبیح، یک رشته و یک نخ، همه‌ی اینها را به هم وصل می‌کرد. آن رشته چه بود؟ رشته‌ی اطاعت و فرمان‌بَری از مرکزیّت تشیّع، از رهبری عالی تشیّع یعنی امام؛ همه‌ی این رشته‌ها به آنجا متّصل می‌شد؛ قلبی بود که به همه‌ی اعضا فرمان می‌داد؛ و به این ترتیب، تشیّع یک سازمان و یک تشکیلات بود. ممکن بود دو نفر از حال هم خبر نداشته باشند، امّا بودند کسانی که از حال همه باخبر بودند. اطاعت و فرمان‌بَری آنها به‌حساب، فریاد زدنشان از روی دستور، سکوتشان برطبق نقشه، همه‌چیزشان باحساب.

فقط یک عیبی کار آنها داشت و آن اینکه همدیگر را کمتر می‌دیدند. اهل یک شهر و شیعیان یک منطقه، البتّه یکدیگر را می‌دیدند، امّا یک کنگره‌ی جهانی لازم بود برای شیعیانِ روزگار ائمّه (ع). این کنگره‌ی جهانی را معیّن کردند، وقتش را هم معیّن کردند؛ گفتند در این موعدِ معیّن، در آن کنگره هرکس بتواند شرکت کند. آن موعد، روز اربعین است؛ و جای شرکت، سرزمین کربلا است؛ چون روح شیعه روح کربلائی است، روح عاشورائی است؛ در کالبد شیعه تپش روز عاشورا مشهود است؛ شیعه هرجا که هست دنباله‌روِ عاشورای حسین است. این است که می‌بینیم همه جا این تپش‌هایی که در شیعه مکشوف شده، از آن مرقد پاک ناشی است؛ اینها شعله‌هایی بوده که از آن روح مقدّس و پاک و از آن تربت عالی‌مقدار سرکشیده؛ به جان‌ها و روح‌ها زده؛ انسان‌ها را به گلوله‌های داغی تبدیل کرده و آنها را به قلب دشمن فروبرده.

● چرا ائمه بر اشک بر امام حسین(ع) تأکید می‌کردند؟

اوّلین نهضتی که بعد از عاشورای حسینی از طرف شیعیان به وجود آمد، نهضت توّابین بود. اینها آمدند در آن مرقد پاک دور هم جمع شدند -کتب تواریخ اینها را نوشته‌اند- مبلغ زیادی اشک ریختند. بعضی خیال می‌کنند این گریه وسیله‌ی عقده‌گشایی است؛ بله، گریه وسیله‌ی عقده‌گشایی است، درصورتی که با فکر همراه نباشد. اگر گریه را و اشک ریختن را فقط احساسات هدایت بکند، همین است که گفته‌اند، امّا اگر فکر و اندیشه به انسان اشکی بدهد و چشم انسان قطره‌ی اشکی بچکاند، این مثل همان آب کبابی است که آتش را تیزتر و تندتر می‌کند؛ این عقده نیست، سلاح است؛ لذاست که گریه جزو کارهای معمولی شیعیان صدر اوّل است که همه‌ی آنها در راه ستیزه‌گری بودند ۳

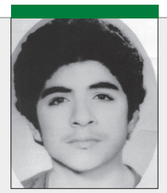

مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست | این شماره تقدیم می‌شود به روح بلند شهید حسین فهمیده

مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست، چه اهمیت می‌دهد که کِی این مرگ فرا برسد؟ مرگ برای او، عبور از یک مرحله است؛ «وقت مردن آمد و جَستن ز جو». انسان حرکتی از جوی می‌کند؛ هرچه هست، در یک لحظه است؛ بعد نعیم بی‌بدیل و بی‌مثال الهی است؛ شما این گونه فکر می‌کردید. اگر کسی این طور فکر نکند، آن گونه خود را عاشقانه در معرض کشته شدن قرار نمی‌دهد. شما شهادت را درست فهمیدید، درست معنا کردید و با آن عاشقانه برخورد نمودید؛ لذا شما شب حمله می‌بینید که بچه‌ها حالشان بهتر از شب قبل است!● ۷۰/۱۱/۱۸

تاریخ شهادت: ۸ آبان ۱۳۵۹ | شهادت: جنگ تحمیلی | مزار: بهشت زهرا

گزارش هفته

تحلیلی کوتاه از رهبر انقلاب اسلامی

اگر امام حسین(ع) قیام نمی‌کرد...

رهبر انقلاب بیانات تحلیلی متعدّدی درباره‌ی نهضت اباعبدالله (ع) داشته‌اند که قدیمی‌ترین اسناد آن به چهار سخنرانی‌ای بازمی‌گردد که در محرّم سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ شمسی در مسجد کرامت مشهد ایراد شده است. این بیانات مربوط به دوران خفقان و زمانی است که ایشان تحت نظر شدید رژیم پهلوی بودند و استفاده از تعابیری همچون «انقلاب اسلامی» در آن سخنرانی‌ها می‌توانسته تبعات سنگینی برای گوینده داشته باشد. متن حاضر تحلیلی است کوتاه مبتنی بر همین کتاب:

۱- شیعه از آنجا که امامان خود را حجّت و پیشوا می‌دانند، رفتارها و گفتارهای ایشان را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار می‌دهد. بنابراین هر کاری که حسین‌بن‌علی کرده، درصورتی که شرایط، شرایط حسین‌بن‌علی باشد، آن کار بر همه‌ی شیعیان لازم است. ما بین امام حسن و امام حسین و امام سجّاد و امام علی‌النّقی و امام عسکری (ع) هیچ فرقی قائل نیستیم؛ ما معتقدیم که هر کدام آنچه عمل کرده‌اند، برطبق وظیفه و تکلیف الهی و اسلامی و قرآنی خود عمل کرده‌اند و هر کدام جای امام حسین (ع) می‌بودند، عیناً مثل او عمل می‌کردند.

۲- برای فهمیدن علّت قیام حسینی باید به تاریخ ۵۰ساله‌ی قبل ایشان نظر افکند. پیامبر اکرم (ص) در زمانی مبعوث شد که جامعه‌ی انسانی چه در جزیرةالعرب و چه در ایران و رم و دیگر نقاط، دچار سه مشکل اساسی بود: شرک با تمام ابعاد آن، طبقاتی بودن نظامات جامعه و از بین رفتن کرامت انسانی.

پیامبر اسلام، با ایجاد یک «انقلاب اسلامی»، خطّ سیر جامعه را به سمت توحید، عدالت اجتماعی و تکریم انسان تغییر داد. اما با ارتحال ایشان و غصب ولایت، حکومت اسلامی به‌تدریج از مسیر خود خارج گردید و به تبع آن، جامعه‌ی اسلامی نیز از مسیر مدّنظر ایشان خارج شد. در زمانه‌ای که برخی از افراد جامعه دچار فقر شدید و محتاج نان شب خود بودند، برخی از صحابه‌ی سابق و اشراف آن روز، آنقدر ثروت‌های بادآورده را جمع کرده بودند که برای تقسیم ارث‌شان، شمش‌های طلای‌شان را با تبر تقسیم می‌کردند. در اینجا بود که جامعه‌ی اسلامی نیازمند یک انقلاب درجه‌ی دوّم، و انقلاب پس از ارتجاع به جاهلیّت شد. اما شرایط دوران امامت امیرالمؤمنین(ع) و امام حسن(ع) و حتّی دوران ۱۰ سال ابتدایی امامت امام حسین(ع) (دوره‌ی حکومت معاویه) مساعد برای انجام یک انقلاب اسلامی مجدّد اثربخش نبود. لذا تجدید انقلاب تا مرگ معاویه به تعویق افتاد. اگرچه که طبق برخی گزارشهای تاریخی امام حسین (ع) در اواخر دوران معاویه مشغول تهیّه‌ی مقدّمات ایجاد یک قیام برای تشکیل حکومت حقّه‌ی اسلامی و علوی بوده است. درواقع «امر به معروف و نهی از منکر»ی که امام حسین به عنوان یکی از اهداف قیام خود برشمرده‌اند، امر به تشکیل حکومت و جامعه‌ی مطلوب اسلامی و مبارزه با حکومت طاغوتی یزیدی بوده است.

۳- ما معتقدیم که ایشان در انقلابِ خود پیروز شد و الگویی شد برای همه‌ی زمان‌ها و شرایطی که شبیه دوران ایشان باشد. پس از ایشان قیام‌هایی همچون قیام مدینه، قیام توّابین، قیام مختار و قیام‌هایی که به براندازی بنی‌امیّه انجامید و تا قیام‌های معاصر همچون قیام هندوستان مفتخر بوده‌اند که از نسخه‌ی عاشورا بهره گرفته‌اند. اگر حسین (ع) این حرکت را نکرده بود، شورش‌های ضدّظلم در تاریخ اسلام انجام نمی‌گرفت؛ قدرت‌ها هر کار دلشان می‌خواست، می‌کردند؛ دین به‌کلّی از مسیر اصلی خود منحرف می‌شد. ازاین‌رو بود که همیشه قیام عاشورا مورد تحریف طاغوت‌های زمان و ایادی آنها قرار گرفته است و تلاش کرده‌اند که حرکت امام حسین (ع) را یک عمل غیر قابل آموزشِ غیر قابل تقلید جلوه دهند که باید در موزه گذاشت و تماشایش کرد و تنها بر آن گریست.●

*برای مطالعه‌ی متن کامل این چهار جلسه، به کتاب «دو امام مجاهد» که از سوی انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است، مراجعه فرمایید.

۴ دوره حیات مبارزاتی «انسان ۲۵۰ ساله»

«انسان ۲۵۰ ساله» صورت‌بندی مفهومی رهبر انقلاب برای ترسیم یک کل‌واحد از مجموع زندگانی ائمه معصومین(ع) است. اما تاریخ زندگی سیاسی -اجتماعی این انسان ۲۵۰ ساله در همه‌ی برهه‌ها یکسان نبوده و ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته است. رهبر انقلاب در گفتار پنجم و ششم کتاب «همرزمان حسین(ع)»، که متن پیاده شده سخنرانی‌های ایشان، ۶ سال پیش از پیروزی انقلاب، در بهمن‌ماه ۱۳۵۱ در هیئت انصارالحسین تهران است، «سیاست‌ورزی» ائمه اطهار(ع) در مقابل «سیاست‌بازی» حاکمان جور در این ۲۵۰ سال را در چهار دوره‌ی مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. تبیین خط مستمر مبارزات امامان شیعه در مقابل حکومت‌های طاغوتی، با روش‌های مقتضی در هر زمان، محور اطلاع‌نگاشت زیر است.

دوره اول: دوره صبر

از رحلت پیامبر(ص) (۱۱هجری) تا به حکومت رسیدن امیرالمومنین علی(ع) (۳۵هجری)

ویژگی: تنها نقطه‌ای است که در تاریخ ۲۵۰ ساله ائمه، یک جا می‌بینیم که امام مبارزه‌ی به معنای درگیری نداشته؛ تبلیغ می‌کرد، فضایل خود را بیان می‌کرد؛ شایستگی خود را به رخ می‌کشید، اما درگیری نداشت. امیرالمومنین با تن دادن به مصلحتی، از مصلحت دیگر گذشت؛ (در میان دوَران امر، در میان یک چیز مهم و یک چیز مهم‌تر، همیشه مهم‌تر را باید برگزید)

سؤال: آیا امیرالمومنین ۲۵ سال خانه نشین شد؟

خانه‌نشین بود یعنی چه؟ یعنی می‌آمد مسجد نمازش را می‌خواند بعد برمی‌گشت خانه، مشغول عبادت می‌شد یا مشغول خانه‌داری می‌شد؟ این‌جوری بود؟ نه، زندگی علی این را گواهی نمی‌کند؛ خانه نشینی نبود. [فقط] در راس قدرت قرار نگرفت... علی یک روز هم خانه نشین نشد... در تمام مسائل حساس علی وارد بود، همه‌ی تصمیم‌های مهم با نظر علی گرفته می‌شد، در همه‌ی غزوات نظر علی جلب می‌شد و سوال می‌شد، در شوراهای مهم نظامی علی رای قاطع داشت و از نظر علی استفاده می‌شد نظر می‌داد.

دوره دوم: تشکیل حکومت اسلامی

از آغاز حکومت امیرالمومنین(ع) (۳۵هجری) تا صلح امام حسن(ع) (۴۱هجری)

ویژگی: حکومت علی یک حکومت «انقلابی» است؛ یک حکومتی است که جامعه‌ی قبل از خود را از «بنیان» تغییر می‌دهد. جامعه‌ی عثمانی را با جامعه‌ی علوی قیاس نمی‌شود کرد... یک حکومت انقلابی فراوان دردسر دارد. آن‌قدر برایش ایجاد اشکال می‌کنند، تبلیغات علیه او می‌کنند، شمشیر علیه او می‌کشند، حرف علیه او می‌زنند؛ چرا؟ به جرم اینکه انقلابی است.

سؤال: مخالفین علی چه کسانی هستند؟

همه‌ی کسانی که از انقلاب رنج می‌برند و صدمه می‌خورند؛ یعنی «ضدانقلاب»؛ اینها مخالفین حکومت انقلابی علی هستند. «قدرتمندانی» که سعی می‌کردند قدرت را در دست بگیرند و در رأس قرار بگیرند، «اشراف» و «ثروتمندانی» که از بغل حکومت‌ها و قدرت‌ها می‌خواستند بخورند، «لاشه‌خوارانی» که عادت کرده بودند در سایه‌ی قدرت و حکومت خلفای پیشین، تبعیض‌ها را به نفع خود مستحکم و باقی نگه دارند، «مقدس‌مآب‌هایی» که در نظامِ قبل برایشان ارزش وجود داشت، اگرچه کار نمی‌کردند اما در این نظام برای‌شان هیچ ارزشی ملحوظ نیست.

دوره سوم: ایجاد تشکیلات پنهانی برای قیام

از صلح امام حسن (۴۱هجری) تا واقعه عاشورا (۶۱هجری)

ویژگی: امیرالمومنین(ع) گفته بود که «وِقیام الحجه بوجود الناصر»، من چون یاور داشتم دانستم که حجت خدا بر من تمام است و بایستی قدرت را در دست بگیرم؛ همین ناصری که آن روز علی داشت، امروز حسن(ع) نداشت؛ همین. ماجرای امام حسن خلاصه می‌شود در این. در یک تنگنای عجیب قرار گرفت. در یک مضیقه‌ای که هیچ انسان بزرگی از این مضیقه نمی‌تواند به سلامت رد بشود، اما حسن(ع) به سلامت رد شد... امام حسن وقتی که خود را در این مضیقه دید یک ابتکاری کرد که با این ابتکار مرحله سوم امامت شروع شد. این ابتکار چه بود؟ این ابتکار این بود که صحنه‌ی مبارزه‌ی حق و باطل را، یعنی صحنه‌ی مبارزه‌ی قرآن و ابوسفیان را، و علی و معاویه را، از روی زمین منتقل کرد به زیرزمین... و جهاد ائمه از همین جا شروع شد و این دوره‌ی سوم بود.

سؤال: امام حسن چه نقشی در قیام عاشورا داشت؟

امام حسن شروع کرد و جالب شروع کرد و افراد را ساخت، همان کسانی که در جبهه‌بندی میان امام مجتبی و معاویه تاب تحمل نیاورده بودند و نتوانسته بودند یک جمعیت پرشور قابل اطمینانی را برای امام حسن درست کنند، این‌قدر اینها فرق کردند که ده سال بعد، دوازده سال بعد، تک‌تک در مقابل معاویه بلند شد... اینها همه فرآورده‌های کارخانه‌ی آدم‌سازی امام حسن هستند. و نفر آخرشان کیست؟ می‌شناسید نفر آخر را؟... نفر آخر برادرش حسین‌بن‌علی است؛ یعنی قهرمان کربلا... قهرمان اول کربلا امام مجتبی است و قهرمان دوم امام حسین‌بن‌علی است؛ او بود که صحنه‌ی کربلا را درست کرد.

دوره چهارم: دوره‌ی مبارزه تشکیلاتی با قدرت‌ها و گسترش اسلام حقیقی

پس از قیام عاشورا (۶۱هجری) تا پایان امامت امام حسن عسگری(ع) (۲۶۰هجری)

ویژگی: بعد از آنکه واقعه‌ی عاشورا پیش آمد، حکومت اموی ابتدا خیلی سرمست بود، خوشحال بودند که قال کنده شد؛ همه‌جا تبلیغ کردند و گفتند که دشمنان حکومت، دشمنان قدرت یزید، سرکوب شدند و از بین رفتند؛ تصور خودشان هم این بود... ولی ناگهان دیدند که نه، اشتباه کرده‌اند... یزید فهمید که اشتباه کرده است؛ ماجرای نبوت ختم نشد، دنباله‌ی علی هنوز در دنیا هست... [پس] از اطراف و با جمیع عوامل بنا کردند به کوشیدن برای خاموش کردن فروغ تشیع... اینجا یکی از راه‌ها ارعاب است. یکی از راه‌ها تحمیق مردم است؛ تجهیل مردم، استحمار مردم، و خلاصه مردم را با پندارهای دروغین سرگرم کردن.

سؤال: دو اقدام ائمه(ع) در دوره چهارم امامت چه بود؟

۱- احیای مبانی فکری اسلام: در این فصل، کاری که مورد نظر است، دو چیز است: یکی این است که مبانی فکری و ایدئولوژیکی اسلام که بر اثر طول زمان و تغییر شکل جامعه‌ی اسلامی به جامعه‌ی طبقاتیِ جاهلی و بر اثر حکومت ممتد بنی‌امیه و پیش از بنی‌امیه - آن کسانی که پدران فکری بنی‌امیه بودند- رو به فراموشی گذاشته است، احیا شود. در اینجا یک شغل برای امامان- از امام سجاد(ع) به بعد- به وجود می‌آید و آن، مبارزه‌ی با تحریف است. امام سجاد و دودمان و جانشینانش باید با تحریف مبارزه کنند؛ یعنی درست در نقطه‌ی مقابل حرکتی که دستگاه حاکم به وجود آورده است، اینها یک حرکتی ایجاد کنند و یک جریان تازه‌ای به وجود بیاورند و خلاصه برای اسلام تلاش کنند؛ برای نشان دادن اسلام و معرفی طرز فکر اسلامی و ایدئولوژی اسلامی و ساختن افکاری بر مبنای اسلام. این، کار اول آنهاست.

۲- تشکیل و اداره یک حزبِ مذهبی -سیاسی مخفی: و اما وظیفه‌ی دوم این بزرگواران این بود که اینها سعی می‌کردند در ضمن اینکه جریان فکریِ اصیل اسلامی را حفظ می‌کنند، یک جریان سیاسیِ بسیار منظم و حساب‌شده‌ای را هم تعقیب کنند و وابستگان به طرز فکر اسلامیِ خود را دور هم جمع نگه دارند و اینها را با هم ارتباط دهند و از لحاظ فکری و روحی، اینها را تجهیز کنند و تسلیح کنند... این یک کاری بوده است که همه‌ی ائمه‌ی هشتگانه‌ی بعد از امام حسین(ع) تا امام یازدهم(ع) این کار را داشته‌اند و خلاصه‌اش عبارت است از تشکیل و اداره‌ی یک حزب مذهبیِ سیاسیِ مخفی، و مجهز کردن فکری و روحی اینها برای اینکه در روزی که امر ما- به تعبیر روایت- ظاهر خواهد شد، ...از عهده‌ی وظیفه‌ی تاریخی خود برآیند و امر ائمه را پیش ببرند.

سخن هفته

همه‌ی آنها در راه عاشورا قدم برمی‌داشتند. امام جعفر صادق(ع) اهل گریه است؛ امام رضا (ع) اهل گریه است؛ شعرا را وادار می‌کنند و می‌گویند این قصائد بلند را بگویید، بروید گروه‌ها را به یاد گذشته‌ی تشیّع بگریانید که با این گریه، آتش‌شان مشتعل‌تر و برافروخته‌تر بشود.

توّابین آمدند اینجا مبالغ زیادی گریه کردند؛ هرچه بخواهید. گمانم گفته‌ام یک شبانه‌روز یا دو شبانه‌روز -نوشته‌اند در تواریخ، بنده یادم رفته- اتّصالاً اشک [ریختند]؛ بعد از این گریه‌ها بود که دست به دست هم دادند، تصمیم گرفتند که بروند تا جانشان را در راه خدا بدهند و تا کشته نشده‌اند، دست از جنگ برندارند و از این جنگ زنده برنگردند؛ همین هم شد. مردمان بزرگی؛ سلیمان‌بن‌صرد خزاعی -صحابی امیرالمؤمنین، حواری امام حسن- و امثال اینها رفتند و آنجا جان دادند و کشته شدند؛ [شروعش] از کربلا بود؛ ببینید چه این حقیقت جلوه‌دار و جلوه‌گری بوده در آن روزگار! در ذهن مردم ما امروز البتّه، این حقیقت به آن زیبایی و به آن شکوهمندی باقی نمانده؛ جور دیگر است.

● اربعین یعنی میعاد شیعیان در کنگره جهانی

بنابراین، مسئله‌ی اربعین یک مسئله‌ی مهمّی است. اربعین یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره‌ی بین‌المللی، جهانی، در یک سرزمینی که خود آن سرزمین خاطره‌انگیز است؛ سرزمین خاطره‌ها است؛ خاطره‌های باشکوه، خاطره‌های عظیم؛ سرزمین شهدا، مزار کشته‌شدگان راه خدا. اینجا جمع بشوند پیروان تشیّع، و دست برادری و پیمان وفاداریِ هرچه بیشتر ببندند. این اربعین است.

غیر از توّابین باز هم سراغ داریم کسانی که آمدند آنجا و از آنجا مایه گرفتند... و البتّه شنیده‌اید که جابربن‌عبدالله انصاری هم آمد. به نظر من این بزرگوار سوّمین کسی است که به زیارت قبر حسین‌بن‌علی (ع) آمده است؛ سوّمین جمعی که به زیارت آمدند، جمع جابر است و عطیّه؛ قبل از او کسانی به زیارت آمده بودند؛ شاید اوّلین کسانی که زیارت کردند این تربت پاک را همان بنی‌اسد بودند که آمدند نعش مقدّس حسین‌بن‌علی (ع) را دفن کردند؛ آنها اوّلین کسانی بودند که این تربت را زیارت کردند؛ و جابر هم آمد به قصد زیارت، با آن تفصیلاتی که شنیده‌اید... اجمالاً، یادآوری خاطره‌ی عاشورا و خاطره‌ی آن جهاد و از خودگذشتگی و فداکاری عظیم، در روز اربعین انجام می‌گرفته؛ و در آن سرزمین. اگر امروز هم بتوانند شیعیان، آن سرزمین پاک و مقدّس را یک چنین میعادی قرار بدهند، البتّه بسیار کار بجا و جالبی خواهد بود و هم دنباله‌گیری از راهی است که ائمّه‌ی هدی (ع) به ما ارائه دادند... ●